Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۹۱۶
چهارشنبه / ۱۷ دی / ۱۴۰۴
۱۷ / رجب / ۱۴۴۷
07 / January / 2026

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ابافره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۲۸-۳۲۵۳۴۳۴۳-۰۲۶۰ کس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

غزل ۲۰۹۸ امروز با حافظ

قتل این خسته به شمشیر تو تقدیر نبود
ور نه هیچ از دل بی‌رحم تو تقصیر نبود
من دیوانه چو زلف تو رها می‌کردم
هیچ لایق‌تر م از حلقه زنجیر نبود

غزل

من و او و تو از میان برخاست
سر وحدت شد از همه یکتا

جامی

فال کرج — اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۵:۴۷	۰۷:۱۶	۱۲:۱۲	۱۷:۰۹	۱۷:۲۹

برگه

بیست سال بعد بیشتر به خاطر کارهای نکرده در زندگی ناراحت می‌شوید تا کارهایی که انجام داده‌اید...

مارک تواین

گزارش روز

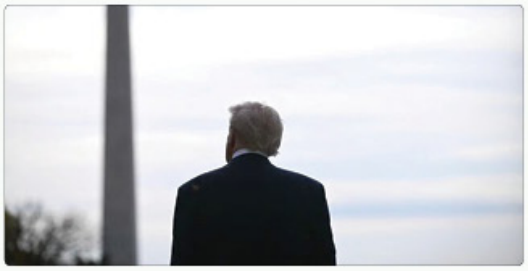

رویای بازگشت طلای سیاه یا سراب ژئوپلیتیک؟

قمار نفتی ترامپ در ونزوئلا

دستگیری ناگهانی نیکلاس مادورو توسط آمریکا، بیش از آن‌که یک تحول صرفا امنیتی یا سیاسی باشد، بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر در حوزه انرژی و ژئوپلیتیک است؛ پروژه‌ای که دونالد ترامپ آن را با صراحت «واریز گیری نفت ونزوئلا» توصیف کرده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از دنیای اقتصاد، دستگیری ناگهانی نیکلاس مادورو توسط آمریکا، بیش از آن‌که یک تحول صرفا امنیتی یا سیاسی باشد، بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر در حوزه انرژی و ژئوپلیتیک است؛ پروژه‌ای که دونالد ترامپ آن را با صراحت «واریز گیری نفت ونزوئلا» توصیف کرده است.

از نگاه کاخ سفید، کشوری که بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد، نباید به تولیدی کمتر از یک میلیون بشکه در روز تن دهد؛ به‌ویژه آن‌که نفت سنگین ونزوئلا دقیقا همان خوراکی است که پالایشگاه‌های آمریکا به آن نیاز دارند.

اما همان‌طور که اکونومیست تاکید می‌کند، فاصله میان ذخایر عظیم نفتی و تولید اقتصادی، فاصله‌ای فنی، نهادی و مالی است؛ فاصله‌ای که با تغییر سیاسی ناگهانی پر نمی‌شود. صنعت نفت ونزوئلا طی بیش از یک دهه گذشته، قربانی ترکیبی از تحریم‌های خارجی، ملی‌سازی‌های پرهزینه، سوءمدیریت مزمن و فرار گسترده نیروی انسانی شده است. نتیجه آن، سقوط دوسومی تولید نسبت به اواخر دهه ۲۰۰۰ و فرسودگی شدید زیرساخت‌هاست.

در کوتاه‌مدت، حتی چشم‌انداز افزایش محدود تولید نیز تیره به نظر می‌رسد. تحریم نفتکش‌ها، توقیف محموله‌ها و قطع دسترسی ونزوئلا به نفتا — رقیق‌کننده‌ای حیاتی برای انتقال نفت فوق‌سنگین — عملا صادرات را مختل کرده است. برآوردها نشان می‌دهد در صورت تداوم این وضعیت، تولید ممکن است به کمتر از ۷۰۰ هزار بشکه در روز تنزل کاهش یابد؛ رقمی که با ادعاهای واشنگتن درباره «احیای سریع» فاصله زیادی دارد.

حتی در سناریوی خوش‌بینانه‌تر و با فرض انتقال سیاسی آرام و رفع تحریم‌ها، افزایش تولید نیازمند سرمایه‌گذاری عظیم است. شرکت ریستاد انرژی برآورد می‌کند که بازگشت تولید ونزوئلا به سطح ۱۵ سال پیش، بیش از ۱۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی می‌طلبد؛ رقمی که تقریبا دو برابر کل سرمایه‌گذاری جهانی شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکا در سال ۲۰۲۴ است. این در حالی است که خاطره ملی‌سازی‌ها و دعاوی حقوقی دهها میلیارد دلاری، همچنان سایه سنگینی بر تصمیم شرکت‌های بین‌المللی انداخته است.

مانع دیگر، ساختار نهادی صنعت نفت ونزوئلاست. شرکت PDVSA که زمانی یکی از حرفه‌ای‌ترین شرکت‌های نفتی جهان بود، اکنون با خروج دهها هزار مهندس و متخصص و واگذاری مدیریت به نیروهای نظامی، توان ایفای نقش یک شریک قابل اتکا برای شرکت‌های غربی را ندارد. اصلاح این ساختار، فرآیندی زمان‌بر و پرهزینه است و با تصمیمات سیاسی کوتاه‌مدت همخوانی ندارد.

بازار جهانی نفت نیز چندان پذیرای این قمار نیست. آژانس بین‌المللی انرژی از مازاد عرضه نفت تا پایان دهه جاری خبر می‌دهد؛ مازادی که می‌تواند قیمت‌ها را به محدوده ۵۰ دلار یا پایین‌تر سوق دهد. در چنین شرایطی، بسیاری از میادین ونزوئلا حتی از منظر اقتصادی نیز توجیه‌پذیر نخواهند بود.

قمار نفتی ترامپ در ونزوئلا شاید از نظر سیاسی پرهیجان و نمادین باشد، اما از منظر اقتصادی، پروژه‌ای فرسایشی و بلندمدت است. بازگشت ونزوئلا به جمع تولیدکنندگان بزرگ نفت، نه با عملیات شبانه، بلکه با سال‌ها اصلاح نهادی، سرمایه‌گذاری سنگین و تغییر شرایط بازار جهانی ممکن خواهد بود. اگر سودی در این میان باشد، نه فوری است و نه قطعی.

دیدگاه

آنها که تحریم را نعمت می‌دانستند، امروز کجایند که جواب بدهند؟

فعال سیاسی اصلاح طلب گفت: اینکه انتظارات تورمی لحظه به لحظه بیشتر می شود، نشان می دهد دغدغه جامعه رفع نشده و یا حرف ها، قول ها و شعارها هم رفع نخواهد شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از اطلاعات آنلاین، محمود میرلوحی -فعال سیاسی اصلاح طلب- در واکنش به شرایط اقتصادی کشور، اظهار کرد: اینکه مردم تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی هستند، موضوعی است که باید کل ساختار نظام را به این تشخیص برساند، کاری کنند تا حداقل بخشی از محدودیت هایی که ذهن جامعه را به هم ریخته است، برطرف شود. در این بین دولت در جایگاه اجرایی کشور، بیشتر از هر دستگاه و نهاد دیگری برای تزریق آرامش به افکار عمومی موظف است تا با کار کارشناسی، درصدد به سامان رساندن اقتصادی باشد که به نابسامانی دچار شده است.

عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت در ادامه با اشاره به تصمیم های تیم اقتصادی دولت گفت: دولت باید بداند، دیگر جایی برای قرض کردن از مردم نیست و همچنین هر چقدر بیشتر پول چاپ شود، به همان میزان نرخ دلار بالا می رود و تورم روز به روز بیشتر می شود.

او افزود: یکی از دلائل اصلی به هم ریختگی اقتصاد این است که دولت سیطره ای کامل بر مناسبات اقتصادی دارد تا عملا دست بخش خصوصی از فعالیت اقتصادی کوتاه شود. این در حالی است که خصوصی سازی می تواند مسیرهایی توام با کارآمدی و نتیجه مثبت را برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد. الان ۸۰ درصد اقتصاد تمام و کمال زیر نظر دولت است و بقیه هم نه دولتی هستند و نه خصوصی! یعنی بودجه در اختیار نهادهایی قرار می گیرد که نه با دولت همراه هستند و نه کاری به مشکلات و مطالبه های مردم دارند! در واقع همین بودجه هایی که به طور غیر کارشناسی پرداخت می شود، باید قطع شوند تا بتوان کمی از بی نظمی موجود در بودجه را به نوعی جبران کرد.

میرلوحی توضیح داد: فرق ما با دنیا این است که در دنیا منابع_ مصارف را در نظر می گیرند و ما مصارف_ منابع را یعنی یک سلسله دستگاه ها، ارگان ها و بنگاه هایی هستند که خودشان را صاحب مملکت می دانند و سهم شان اگر درصدی کم شود، فریاد واسلاما، با ارزش ها و .. سر می دهند!

او افزود: آنهایی که تحریم را نعمت می دانستند، کجا هستند تا پاسخ مردم را بدهند؟ بیایند و جواب بدهند! اینکه انتظارات تورمی لحظه به لحظه بیشتر می شود، نشان می دهد دغدغه جامعه رفع نشده و یا حرف ها، قول ها و شعارها هم رفع نخواهد شد.

میرلوحی یادآور شد: صداوسیما که اتفاقا بودجه ای یا صفرهای پرشمار از دولت می گیرد، باید همه تلاشش را برای آرامش عمومی به کار بگیرد. اما آنچه در تلویزیون مشاهده می شود این است که تریبون بعضا در اختیار کسانی قرار می گیرد که بلافاصله بعد از اظهارنظرشان، دلار گران می شود. پس باید این رسانه هم اصلاح شود؛ از سویی دولتی ها باید محکم تصمیم بگیرند و ایستادگی کنند و منتظر فردا نباشند.

اشاره

زنان و شهر، تجربه نابرابری در امنیت شهری

در جهان، از هر سه زن، یک نفر تجربه نوعی خشونت را داشته است. در ایران نیز همه ساله هزارها زن به دلیل خشونت به مراکز پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند؛ که البته تنها بخش ثبت‌شده مسأله است. بخش عمده ناامنی‌های روزمره هرگز در آمار منعکس نمی‌شود، چرا که محدودیت‌های «خود محدودکننده» زنان در رفتارهای روزمره ونوعی انزوا گزینی در کنار خودسانسوری حضور آن‌ها در شهر را متفاوت ساخته‌است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از آرمان امروز، مسأله امنیت و زنان در شهر تنها وجه کالبدی ندارد بلکه رویکرد کالبدی – اجتماعی و اقتصادی است. مدیریت شهری دراین میان می‌تواند رویکردها کالبدی – اقتصادی را تا حدودی مرتفع کند اما مسأله اجتماعی زنان امری فراتر از مدیریت شهری است؛ اگر چه شهرداری به عنوان نهاد عمومی بخشی از نظام حاکمیتی کشور است؛ این مسأله سه رکن دارد: نخست آنکه مدیریت شهری تابع فرهنگ عمومی کشور است؛ دوم اینکه مدیریت شهری بخشی از جریان حاکمیت است؛ و سوم اینست که ابزارهای دراختیار مدیریت شهری نظیر مصوبه‌گذاری و اقدامات اجرایی در بسترهای خاص قادر است قابل اجرا می‌باشد.

چرا که کلیه مصوبه‌های شوراهای شهر و روستا باید به تأیید هیئت تلفیق رسیده و سپس در چارچوب دستورالعمل‌های وزارت کشور به اجرا در آید. ازاین رو با نگاهی فیزیکی یا به عبارتی کالبدی، شهرداری در امر امنیت بخشی به زنان در شهر می‌بایستی گام‌های هماهنگی را تدارک ببیند. اما در بعد اجتماعی وجوه دیگری وجود دارد که نیازمند واکاوی است.

وجهی از این مسأله در فرهنگ عمومی و نگرش‌های گوناگون جامعه نسبت به حضور زنان است، که بایستی در بستر قوانین و قواعد اجتماعی و حقوقی راهی بلند را طی کند. در این بخش با توجه به ساختارهای تاریخی حاکم بر جامعه، نوعی جداسازی و جدایی گزینی درسطح شهرها وجود دارد که بایستی در راستای توسعه فرهنگ عمومی و با تکیه بر ظرفیت‌های رسانه‌ای تغییراتی نهادی در آن شکل‌بگیرد.

لذا امنیت زنان در شهر، تنها یک موضوع فردی یا جنسیتی نیست؛ بلکه شاخصی اثرگذار برای سنجش عدالت، توسعه و کیفیت زندگی شهری می‌باشد. به عبارت دیگر برای توجه دادن تصمیم‌گیران و تصمیم سازان به مسأله امنیت زنان در شهر بایستی به تجربه زیسته زنان در شهرها که تلفیقی از این عناصر است، توجه جدی شود.

این مهم موید آن است که نیاز به راه حل‌های کوتاه مدت و بلند مدت ضروری و جدی است. به عنوان نمونه زنان همیشه با چالش انتخاب مسیرهای عبور در شهر بر اساس روشنایی و ایمنی روبرو هستند. این مهم به این معنی است که آن‌ها در برابر با نوعی محدودیت زمانی و مکانی جهت حضور در فضاهای عمومی قرار دارند که رفع فوری است. چرا که این مهم موجب می‌گردد حضورشان در فعالیت‌های شهری با احتیاطی خاص و محدودیتی متفاوت همراه‌شود.

به عبارت دیگر زنان دراین شرایط تنها یک احساس شخصی را تجربه نکرده‌اند بلکه آن‌ها با نوعی نابرابری در توزیع امنیت که در شهر وجود دارد روبرو هستند. شاید نگاهی به آمارها بتواند این شرایط را بیشتر روشن کند.

در جهان، از هر سه زن، یک نفر تجربه نوعی خشونت را داشته است. در ایران نیز همه ساله هزارها زن به دلیل خشونت به مراکز پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند؛ که البته تنها بخش ثبت‌شده مسأله است. بخش عمده ناامنی‌های روزمره هرگز در آمار منعکس نمی‌شود، چرا که محدودیت‌های «خود محدودکننده» زنان در رفتارهای روزمره ونوعی انزوا گزینی در کنار خودسانسوری حضور آن‌ها در شهر را متفاوت ساخته‌است.

در این میان، توجه به سه مسأله که می‌تواند شرایط را برای حضور زنان در شهر با امنیت بیشتر همراه کند جدی است. این مهم را می‌توان با وام گرفتن از سه اصطلاح حقوقی رایج تبیین کرد. عدالت در سه مفهوم ترمیمی، توزیعی و انتقالی شاید بهتر بتواند در ارائه راهکارها در جهت تحقق امنیت زنان در شهر مدیران و مسوولین را یاری نماید.

در این راستا با تأکید بر عدالت توزیعی به معنای توزیع برابر منابع و امکانات شهری می‌توان راهی تازه برای تحقق شهری امن برای زنان جستجو کرد. این مسأله به معنی آن است که وقتی روشنایی خیابان‌ها کافی و مناسب باشد، حمل‌ونقل عمومی امن و فضاهای عمومی قابل استفاده گردد، منابع به شکل عادلانه در شهر توزیع می‌شوند. در حالیکه در صورت وجود نابرابری در توزیع منابع، نه تنها زندگی زنان، بلکه کیفیت زندگی در شهر تحت تأثیر قرار می‌گیرد و زنان به ناچار با ایجاد محدودیت در رفتار شهروندی خود با دشواری در تردد در سطح شهر روبرو می‌شوند.

درهمین ارتباط عدالت ترمیمی که مرحله دیگری از تحقق عدالت است؛ مبنایی است که بر اساس آن بایستی با شناسایی نقاط پر خطر و مسأله آفرین نسبت به رفع آن‌ها اقدامی مؤثر انجام شود. این مهم به این معناست که باید مکان‌ها و ظرفیت‌ها و... شهری را برای وقوع این نوع احساس ناامنی برطرف گردد. اما این مرحله تنها به این اقدام ختم نمی‌شود، بلکه گامی فراتر را نیاز دارد.

برنامه‌هایی نظیر توانمندسازی زنان و ایجاد سیستم‌های گزارش‌دهی پیوستی است که می‌تواند امنیت زنان را ارتقا دهد. به عبارتی عدالت ترمیمی تضمین می‌کند که زنانی که در گذشته محدودیت یا آسیب دیده‌اند، فرصت حضور آزاد و امن در شهر را پیدا کنند. دراین میان عدالت انتقالی را باید مورد توجه قرار داد. بر اساس این نوع عدالت تغییر ساختاری و بلندمدت نظام مدیریت شهری درجهت به میدان آوردن زنان برای حضور در سطح تصمیم‌گیری جدی می‌شود. یعنی با نگاهی کلان و ساختاری شکلی دیگر از عدالت را به پیوست دیگر اقدامات مؤثر می‌بایستی تبیین کرد.

این نوع عدالت که هدفش حذف ریشه‌ای موانع و نابرابری‌ها است؛ نیازمند زنان در عرصه تصمیم‌گیری است که با شکل‌گیری سازمان یافته مشارکت آن‌ها در عرصه تصمیم‌گیری معنا می‌گیرد. یعنی مشارکت واقعی زنان در تصمیم‌گیری‌های شهری، که منجر به بازطراحی فضاها به گونه‌ای که امن و ایمن باشد در کنار اصلاح قوانین و سیاست‌ها برای امنیت پایدار زنان.

یادآور می‌شود ساختار کنونی تصمیم‌گیری در شهرهای کشور به نوعی با فاصله‌ای بسیار از حضور زنان همراه است. به نوعی که آمارها موید سهم اندک زنان در شوراهای شهر می‌باشد. در دوره ششم شوراها از حدود ۴۰۵ کرسی شوراهای مراکز استان‌ها، تنها حدود ۳۵ کرسی به زنان تعلق دارد. این مهم نشان دهنده سهم محدود زنان در عرصه تصمیم‌گیری در سطح شهرها است، سهمی که با توجه به ساختار قانون گذاری در کشور فرصتهای کمتری را برای آنان فراهم کرده است! اگر چه مدیریت شهری تهران در دور پنجم شوراهای شهر و روستا اقداماتی را به انجام رسانده که درصورت تداوم شاید می توانست فضای امن تری برای حضور زنان در شهر فراهم و الگویی موثر برای سایر شهرها باشد.

دراین راستا مدیریت شهری تهران در آن زمان با انتشار دو سند امنیت زنان در شهر و سند امنیت زنان در سازمان شهرداری اقدامات موثری را رقم زد. در کنار این مهم با ایجاد کد مخصوص برای شهروندان زن در سامانه ۱۳۷ در جهت معرفی فضای ناامن تلاش جدی را انجام داد که تداوم پیدا نکرد. درنهایت ذکر این نکته ضروری است که امنیت زنان نه تنها حق برابر آنان برای حضور در شهر است؛ بلکه شاخصی برای تحقق عدالت، توسعه و شهری زیست پذیر برای همه شهروندان به شمار می‌رود. ازاین رو امنیت در شهر برای زنان گذشته از حق شهروندی تلاشی برای به فعلیت در آمدن ظرفیت های شهر و توزیع عادلانه منابع است.